

برنامه و برنامه‌ریزی در ایران

اثر: دکتر کریمت‌الله زیاری

دانشیار دانشگاه یزد

(از ص ۵۹۹ تا ۶۱۸)

چکیده:

این مقاله برنامه و برنامه‌ریزی در ایران را با توجه به مؤلفه‌های اندیشه شکل‌گیری، پیدایش، الگوی نظری برنامه‌ریزی توسعه، اهداف، استراتژی، سازماندهی و عملکرد مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهد. در این ارتباط ایران دارای نیم قرن سابقه برنامه‌ریزی است که هفت برنامه عمرانی و توسعه (پنج برنامه قبل از انقلاب و دو برنامه بعد از انقلاب) را تهیه و اجرا نموده است و هم‌اکنون در مرحله اجرای برنامه سوم توسعه قرار داد. دو برنامه هفت ساله اول و دوم به صورت غیرجامع و بدون هدف کمی رشد و تنها به صورت مجموعه‌ای از پروژه‌ها و در قالب جداول تخصیص منابع تهیه و اجرا شده بود. برنامه‌های سوم و چهارم و پنجم قبل از انقلاب به ترتیب به متوسط رشد سالانه ۸/۵ درصد، ۱۳/۱ درصد و ۱۶/۳ درصد در تولید ناخالص ملی نایل آمدند. نکته مهم وابستگی تمام برنامه‌های قبل و بعد از انقلاب به درآمدهای نفتی است.

واژه‌های کلیدی: برنامه، برنامه‌ریزی، ایران، الگوی نظری، اهداف.

مقدمه

اگر برنامه را نمایش منطقی و یا رعایت سلسله مراتب فعالیت‌های مربوط به هم در یک رشته تصمیمات منظم برحسب دوره‌های زمانی تعریف گردد، برنامه‌ریزی فرآیند تفکر در باب مسائل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و کالبدی است که جهت‌گیری و آینده‌نگری به صورت عملی در روابط، اهداف همه جانبه را دارا بوده و به شدت در زمینه خط‌مشی برنامه از جامعیت برخوردار است. در این ارتباط حدود نیم قرن از زمان شروع و به کارگیری ساز و کار برنامه و برنامه‌ریزی در فرآیند توسعه ایران (۸۱-۱۳۲۷) می‌گذرد. طی این مدت طولانی، حجم عظیمی از منابع مادی و انسانی کشور و نیز دهها و بلکه صدها سازمان و تشکیلات برنامه‌ریزی و اجرایی و صدها هزار ساعت فعالیت کارشناسی و مهمتر از همه بسیاری از فرصت‌های مهم تاریخی؛ هزینه‌های مهمی بوده است که ایران برای دستیابی به توسعه پرداخته است. اینک با گذشت این نیم قرن سرنوشت‌ساز، شرایط و تحولات مهم داخلی و جهانی، ایجاب می‌نماید؛ تا کشور بیش از هر زمان دیگری به صداقت، تدبیر و خردورزی برای انتخاب‌های مهم آینده خویش نیازمند باشد. با توجه به دوره‌های جدید در مدیریت توسعه در کشور و با رویکرد به دیدگاه‌ها و افق‌های جدید، توجه به آینده‌نگری، قرار گرفتن در آغاز هزاره سوم و گسترش نگرش جدید جهانی به مدیریت توسعه و تحولات جدید دنیای پیرامون همچون پیوندهای اقتصاد جهانی و همگرایی‌های بین‌المللی، تغییرات شدید ساختاری در اقتصاد جهانی، افزایش روزافزون اتکا تولید اقتصادی به دانش و اطلاعات، گسترش شبکه‌های اطلاع‌رسانی، تحولات مهم بازار جهانی نفت، تحولات آسیای جنوب شرقی و غیره ایجاب می‌کند که تجربه این نیم قرن برنامه‌ریزی در ایران (برنامه‌های اجرا شده) مورد ارزیابی جدی قرار گیرد؛ تا اندوخته‌ای از این تجارب عظیم و به عبارت دیگر انباشتی مهم از سرمایه انسانی برای انتخاب راهبردها، سیاستها و طرح‌های آینده فراهم گردد. بر همین اساس این مقاله بر آن است تا چگونگی اندیشه و نحوه پیدایش و شکل‌گیری اهداف، استراتژی، سازماندهی، عملکرد و

الگوی نظری این برنامه‌ها و برنامه‌ریزی‌ها را مورد بررسی قرار دهد. رویکرد حاکم بر پژوهش «توصیفی-تحلیلی» است. در این پژوهش مؤلفه‌ها، با بهره‌گیری از متون، منابع و آمارها، مورد مطالعه، بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد.

مبانی نظری پژوهش

از دهه ۱۹۴۰ به این سو، دستاوردهای تکنولوژی در عرصه‌های مختلف زندگی، هفت الگوی نظری توسعه را پدید آورده است، این الگوها عبارتند از: الگوی رشد سرمایه‌داری، الگوی ساختارگرا، الگوی نئومارکسیسم، الگوی وابستگی، الگوی مائوئیسم، الگوی نیازهای اساسی و الگوی نئوکلاسیک. در این مقاله، الگوی رشد سرمایه‌داری، ساختارگرا و نیازهای اساسی که به نظر می‌رسد در تاثیرگذاری برنامه‌های ایران تناسب بیشتری دارد مورد کنکاش قرار می‌گیرد.

الگوی رشد سرمایه‌داری، توسعه اقتصادی را با رشد اقتصادی مساوی گرفته و علت پایین بودن میزان سرمایه‌گذاری را کمبود پس‌انداز می‌داند (Todaro, 1994). از دیدگاه این الگو، مشکل اصلی کشورهای عقب مانده، کوچک بودن بخش سرمایه و پس‌انداز، علت اساسی سرمایه‌گذاری است. کوچک بودن بخش سرمایه‌داری، به سهم ناچیز سرمایه‌گذاری از درآمد ملی منجر می‌شود (Kuznets, 1966). برای غلبه بر این مشکل و توسعه بخش سرمایه‌داری، باید سهم بیشتری از درآمد ملی را به طبقه سرمایه‌داری تزریق کرد (Lewrs, 1966) (توزیع نابرابر)، زیرا این طبقه از میل نهایی به پس‌انداز بالاتری برخوردار است. این الگو فنون سرمایه‌بر را توصیه می‌کند. عدم اعتقاد به اتحادیه‌های کارگری، توسعه روابط تجاری و دخالت دولت از مشخصه‌های آن است (روزبهان، ۱۳۷۱). این الگو به سرمایه‌گذاری در زیرساختها و امور اجتماعی بها می‌دهد. تأسیس بانکها و نهادها و کارخانه‌ها و استفاده از روشهای نوین حرکت نیرو از بخش کشاورزی سنتی به بخش سرمایه‌داری اقتصادی، شهرها و مراکز صنعتی علیت می‌یابد. لازمه توسعه بخش سرمایه‌داری رشد اقتصادی است (حسین‌زاده بحرینی، ۱۳۷۷). در الگوی ساختارگرا، توسعه

اقتصادی با رشد اقتصادی مساوی نیست. تفاوت میان این دو مفهوم بهره‌وری است. در عین حال این الگو، همچنان، توسعه را مفهومی اقتصادی تلقی می‌کند (توسلی، ۱۳۷۰). در این الگو توزیع نابرابر درآمد، مطلوب و توصیه نمی‌شود. استفاده از فنون کاربر در عین دستیابی به تکنولوژی‌های پیچیده و برتر، شرط حصول توسعه اقتصادی است و از افزایش دستمزد حمایت می‌شود. مزیت نسبی مردود و کشورهای عقب مانده باید با تغییرات ساختاری، مزیت‌های نسبی را دگرگون کنند (تصدیقی، ۱۳۶۴). الگوی ساختارگرا، خود را تکمیل شده هسته گسترش سرمایه‌داری می‌داند و درصدد طرد آن نیست (حسین‌زاده بحرینی، ۱۳۷۷). در الگوی نیازهای اساسی توسعه اقتصادی صرفاً شامل رشد اقتصادی نیست؛ بلکه به مفهوم بهبود در رفاه عمومی توأم با اولویت به نیازهای اساسی همگانی است. برای تحقق این هدف باید توده مردم حق مشارکت سیاسی درخصوص تامین نیازهای اساسی در رشد را داشته باشند (Campbel, 1997).

پیشینه برنامه و برنامه‌ریزی در ایران

اندیشه برنامه و برنامه‌ریزی در ایران به زمان عباس میرزا از شاهزادگان دوره قاجار و جنگهای ایران و روس برمی‌گردد. شکست ایران و لطمات ناشی از آن مسائلی را مطرح می‌نماید که به زمان امیرکبیر (نخست‌وزیر ناصرالدین‌شاه قاجار) می‌انجامد. در حقیقت اندیشه مدرن از آن زمان در ایران شکل می‌گیرد. این اندیشه در ابتدا بر سه محور پاک‌سازی دستگاه دیوانی از افراد نالایق، دوم بحث هویت ایرانی و نوعی احتیاط از خارج و سوم توجه به وضعیت و نیروی انسانی است. که به بحث ملیت توجه می‌کند و نه غرور شاهنشاهی (عظیمی، ۱۳۷۸). این تفکر سرانجام در مشروطیت به اولین تحول بنیادی در مسیر توسعه ایران می‌انجامد و تغییر ساختار حکومت از ایلی به غیر ایلی را فراهم می‌سازد.

سرسلسله پهلوی (رضاشاه) بنیانگذار اولین حکومت غیر ایلی ایرانی است. در دوره پهلوی اول با شعار نوگرایی، حرکت‌هایی برای داشتن برنامه و برنامه‌ریزی مطرح

می‌شود. در ۱۱ فروردین ۱۳۱۶ (۱۱ مارچ ۱۹۳۷) هیئت وزیران بنا به پیشنهاد اداره کل تجارت، تاسیس شورای اقتصادی را تصویب می‌نماید، این شورا با ۱۰ عضو تحت ریاست نخست‌وزیر وقت قرار داشت. در این سال این شورا کمیسیون را تحت عنوان برنامه تولیدات دایر می‌نماید. این کمیسیون طرحهایی برای تولید کشاورزی، اسکان عشایر تهیه و سپس برنامه هفت ساله کشاورزی را به نخست‌وزیر وقت ارائه می‌کند. اما این برنامه هیچوقت عملی نشد. سرانجام از سال ۱۳۲۳ هـ ش الی ۱۳۲۵ هـ ش (۱۹۴۴ الی ۱۹۴۶) با تشکیل کمیسیونهای مختلف، نخستین پیش‌نویس برنامه اول تدوین و هیئت دیگری به نام هیئت عالی برنامه تحت ریاست نخست‌وزیر وقت مرکب از پنج کمیسیون در ۹ شهریور ۱۳۲۵ (۳۱ آگوست ۱۹۴۶) شروع به کار می‌کند. وظیفه این کمیسیون بررسی برنامه و طرحهای وزارتخانه‌ها و تجدید نظر در اقلام اعتبارات پیش‌بینی شده برای بخشهای اقتصادی، اجتماعی است. در برنامه پیشنهادی ۵ تا ۷ ساله هزینه‌ای معادل ۱۵ میلیارد ریال برآورد شد که حدود ۲۵۰ میلیون دلار وام از خارج را توصیه می‌کرد (سازمان برنامه، ۱۳۸۰). متعاقب این تحولات، موافقت‌نامه‌ای بین ایران و یک شرکت مشاوره‌ای از آمریکا به نام موریس نودسن منعقد می‌گردد. این شرکت در مرداد ۱۳۲۶ هـ ش (آگوست ۱۹۴۷) گزارشی تحت عنوان «برنامه توسعه و عمران ایران» را به دولت وقت مشرف نفیسی ارائه می‌نماید. دولت با توجه به این گزارش و با کمک هیئت عالی برنامه، برنامه‌ای با ۲۱ میلیارد ریال هزینه اجرایی، پیش‌بینی اخذ وام از بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه را توصیه می‌کند.

سرانجام در اردیبهشت ۱۳۲۷ هـ ش (می ۱۹۴۸) لایه قانون برنامه هفت ساله عمرانی کشور تقدیم مجلس وقت می‌شود که ۲۵۰ میلیون دلار وام از خارج در برداشت. در ۵ مهر ۱۳۲۷ هـ ش (۱۹۴۸) «اداره دفتر کل برنامه‌ها» که بعداً سازمان موقت برنامه نام گرفت ایجاد می‌شود. در تهیه فرآیند برنامه اول عمرانی کشور، بانک جهانی، سفارت آمریکا در تهران، دو شرکت مشاوره خارجی به نامهای موریس نودسن و ماورای بهار و یک آمریکایی به نام ماکس وستون نورنبرگ دخالت

داشتند. بدین ترتیب در قبل از انقلاب اسلامی پنج برنامه عمرانی (تحت ۲ برنامه ۷ ساله و ۳ برنامه ۵ ساله) تهیه و اجرا گردید (سازمان برنامه، ۱۳۸۰).

در بعد از انقلاب اسلامی در ۱۰ دیماه ۱۳۶۰ (۳۱ دسامبر، ۱۹۸۱) نظام برنامه‌ریزی کشور به تصویب شورای اقتصاد می‌رسد. با تلاش این شورا «برنامه کلان توسعه» با تلفیق برنامه استانها تهیه گردید و به عنوان «لایحه برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی» در اول فروردین ۱۳۶۲ (۲۱ مارچ ۱۹۸۳) به تصویب هیئت دولت می‌رسد و سپس در ۲۲ مرداد (۱۳ آگوست) همان سال به مجلس تقدیم می‌گردد. این برنامه در کمیسیون ویژه برنامه و بودجه مجلس به علت ضعف اطلاعات و شرایط ویژه جنگ مورد تصویب قرار نمی‌گیرد. در دوره دوم مجلس، دولت مجدداً تقاضای رسیدگی می‌نماید، اما مجلس در ۲۵ مهر ۱۳۶۳ (۱۷ اکتبر ۱۹۸۴) به علت عدم تطبیق با شرایط و امکانات کشور، عدم تصویب آن را به دولت اعلام می‌دارد. دولت در دوره ۶۶-۱۳۶۵ (۸۷-۱۹۸۶) «برنامه شرایط استقلال اقتصادی کشور» را تهیه نموده و بلافاصله «برنامه شرایط بحران» از سوی سازمان برنامه و بودجه مهیا شده و در هیئت دولت تصویب می‌گردد، ولی به اجرا در نمی‌آید (سازمان برنامه، ۱۳۸۰).

با پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل، در ۲۷ تیرماه ۱۳۶۷ (۱۸ آگوست ۱۹۸۸) برنامه‌ای جدید در دستور کار دولت قرار می‌گیرد که سرانجام توسط نخست وزیر وقت به مجلس تقدیم می‌گردد. اما به علت تغییراتی که در قانون اساسی و تغییر دولت، در تاریخ ۱۱ بهمن ۱۳۶۸ (۳۱ ژانویه ۱۹۸۹) انجام می‌شود، اولین برنامه پنجساله توسعه پس از پیروزی انقلاب اسلامی به نام «برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی» (۷۲-۱۳۶۸ یا ۱۹۹۳-۱۹۸۹) به تصویب مجلس می‌رسد و به مرحله اجرا در می‌آید. برنامه دوم (۷۸-۱۳۷۴ یا ۱۹۹۵-۱۹۹۵) با دو سال وقفه در سال ۱۳۷۴ (۱۹۹۵) مورد تصویب مجلس قرار می‌گیرد (سازمان برنامه، ۱۳۷۴). هم اکنون کشور مشغول اجرای برنامه سوم (۸۳-۱۳۷۸) می‌باشد.

ساختار برنامه‌ها در ایران

برنامه عمرانی اول (۳۴-۱۳۲۷)

این برنامه در ۲۶ بهمن ۱۳۲۷ (۱۹۴۸) تصویب و از اول مهرماه همان سال به مرحله اجرا گذاشته شد. سازمان برنامه به منظور اجرای برنامه اول تاسیس شده؛ اما برای انجام بسیاری از خدمات فنی با مهندسین مشاور بحار آمریکایی قراردادی برای انجام خدمات فنی منعقد کرد (باری‌بر، ۱۳۶۳). اهداف آن شامل افزایش تولید و صادرات، ترقی کشاورزی و صنعت، اکتشاف و بهره‌برداری از معادن، بهبود بهداشت و درمان، افزایش سطح زندگی مردم و توسعه زیرساختها و امور عمرانی بود. این برنامه بدون استراتژی مشخص و با سازماندهی متمرکز و اعتبار ۲۱ میلیارد ریال (براساس هر دلار ۳۲ ریال) و از طریق استقراض خارجی و از نوع غیرجامع و تنها به صورت چند پروژه عمرانی و در قالب جداول تخصیص منابع تهیه شده بود. قرار بود منابع تخصیص یافته به برنامه، ۲۵ درصد به کشاورزی، ۱۴/۳ درصد به صنایع و معادن، ۲۷/۴ درصد به ساخت زیربناها (راه‌سازی، راه‌آهن، بنادر، فرودگاهها، پست و تلگراف) و ۲۸/۵ درصد به امور اجتماعی اختصاص یابد (برنامه اول، ۱۳۲۷). گرچه نحوه تخصیص منابع این برنامه با الگوی نظری رشد سرمایه‌داری بی‌شبهت نیست، ولی نمی‌توان الگوی نظری خاص توسعه را از لابلای آن استخراج نمود. در واقع الگوی توسعه مورد نظر، توسعه کشاورزی از طریق بخش خصوصی بوده است (رزاقی، ۱۳۶۳، ص ۱۷۲). در این برنامه تفکر ناحیه‌ای با طرح سازمان دشت مغان در راستای توان کشاورزی و اسکان عشایر شاهسون به مرحله اجرا گذاشته شد. این برنامه دارای الگوی رشد کمی نبود. از آنجا که این به عنوان جهش بزرگ برای دستیابی به خودکفایی اقتصادی آغاز شده بود، اما موفقیت چندانی نداشت.

برنامه عمرانی دوم (۴۱-۱۳۳۴)

برنامه دوم، مانند برنامه اول شامل یک رشته طرح‌های دولتی بود که مبتنی بر

محور توسعه کشاورزی، ایجاد امکانات زیربنایی (راه، راه آهن، فرودگاه، بنادر، تلفن)، ایجاد صنایع، ایجاد شرایط مناسب برای سرمایه گذاری بخش خصوصی، تأمین مایحتاج مردم، توسعه آموزش و بهداشت، افزایش تولیدات و بالا بردن سطح زندگی مردم قرار داشته است؛ که برای آنها اعتبارات سالانه پیشنهاد شده بود. این برنامه به صورت غیرجامع، سازماندهی متمرکز و در قالب مجموعه‌ای از پروژه‌ها و جداول تخصیص منابع تهیه گردید. در این برنامه به جز کل مخارج و جهت کلی که قانون برنامه برای آن تعیین کرده بود هیچ هدف کلی مشخص نشده بود (سازمان برنامه، ۱۳۳۵). منابع مالی این برنامه را محضراً نفت می‌بایست تأمین می‌کرد. سازمان برنامه ۶۰ درصد از درآمد نفت را در دو سال اول و ۷۰ تا ۸۰ درصد آن را در پنج سال بعد دریافت کند (مرتن، ۱۹۵۶). در این برنامه، برنامه‌ریزی منطقه‌ای مورد توجه قرار گرفت. طرح شناسایی توانهای منطقه جنوب شرق کشور در مناطق سیستان و بلوچستان، کرمان و همچنین طرح منطقه خوزستان و به صورت فهرستی از پروژه‌های عمرانی عملی گردید. در این طرحها احداث سد دز، شبکه توزیع برق، کشت نیشکر، ایجاد کارخانه قند خوزستان و تأسیس سازمان آب و برق خوزستان شروع شد. تخصیص منابع در برنامه دوم، در بردارنده عناصر کلیدی الگوی رشد سرمایه‌داری است. در این برنامه نحوه تخصیص منابع یعنی اولویت به زیربناسازی، کشاورزی و بالاخره صنعت، با الگوی نظری رشد سرمایه‌داری انطباق دارد، که این الگو از سوی گروه مشاورین هاروارد در طراحی برنامه دوم لحاظ شده است (Daftary, 1973). نحوه تخصیص سهم بخشهای مختلف برنامه دوم گوشه‌ای از برخورد غربی با توسعه اقتصادی در آن دوره را به دست می‌دهد (الگوی رستو). توسعه زیربناها در اولویت قرار داده شده بود و کشاورزی در مقام بعدی و صنعت در آخرین جایگاه قرار داشت. در برنامه دوم رشد کمی لحاظ نشده بود.

برنامه سوم عمرانی (۱۳۴۱-۴۶)

برنامه سوم در اردیبهشت ۱۳۴۱ (۱۱ می ۱۹۶۲) تصویب و در اول مهرماه

همان سال به مرحله اجرا گذاشته شد. اعتبار عمرانی آن ۲۳۰ میلیارد ریال بود. مهمترین اهداف برنامه سوم مبتنی بر ایجاد و توسعه صنایع، ایجاد مقدمات برای صنایع ذوب آهن، پتروشیمی، ماشین‌سازی آلومینیم، تراکتورسازی و لوله‌سازی، توسعه امکانات زیربنایی، گسترش آموزش و بهداشت بود. استراتژی توسعه تاکید به سازماندهی صنایع سنگین و صنعتی شدن از طریق تولید کالاهای جانشین واردات داشت. اجرای اصلاحات ارضی سال ۱۳۴۱ در این برنامه دیده نشده بود.

جدول شماره ۱- مقایسه عملکرد برنامه سوم با اهداف مصوب

بخشها	رشد سالانه مصوب (درصد) ۱	رشد سالانه واقعی (درصد) ۲
کشاورزی	۲/۸	۳/۴
صنایع و معادن	۱۲/۷	۱۳/۸
ساختمان	۱۱/۴	۱۰/۷
آب و برق	۱۴/۵	۲۸/۹
نفت	۱۳/۶	۲۸/۵
سایر بخشها	۹/۳	۱۰/۳

مأخذ: ۱- سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۶۲

۲- سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۶

مهمترین اهداف این برنامه رشد ۶ درصدی تولیدات، ایجاد مشاغل جدید و توزیع عادلانه‌تر درآمد است. استراتژی برنامه، جایگزینی واردات همراه با حمایت صنایع داخلی است. برنامه از نوع جامع و سازماندهی آن متمرکز بود. برنامه‌ریزی منطقه‌ای، منطقه‌بندی، برنامه‌های بخشی و مشارکت استانها و فرمانداری‌های کل در تدوین برنامه‌های عمرانی در برنامه سوم لحاظ شده بود. در این دوره دفتر عمران ناحیه‌ای در سازمان برنامه ایجاد شد. در این برنامه، برنامه‌ریزی منطقه‌ای در نواحی دشت قزوین، جیرفت، کهگیلویه، ماهیدشت، پل ذهاب مطرح و سازمانهای عمران تشکیل شدند. اما تا زمانی که این سازمانها به صورت یکپارچه عمل کردند

موفق بودند، ولی همین که به صورت بخشی درآمدند توفیق چندانی بدست نیاوردند. عملکرد برنامه سوم نیل به نرخ رشد ۸/۵ درصد تولید ناخالص ملی بود (باربر، ۱۳۶۳). در این برنامه یک میلیون مشاغل پیش‌بینی شده تحقق نیافت، بلکه با افزایش خالص نیروی کار به میزان ۱/۸ میلیون نفر تعداد بیکاران فزونی یافت (بارج، ۱۹۶۶، ص ۲۰۲). در برنامه سوم تصور دولت بر اقتصاد حفظ گردید و با اقداماتی نظیر اصلاحات ارضی، از چارچوب پیش‌بینی برنامه اولیه سازمان برنامه فراتر رفت. در این برنامه تا حدودی به الگوی توسعه توجه شد. این برنامه متشکل از برنامه سرمایه‌گذاری بخش عمومی و هم خصوصی است. الگوی نظری سرمایه‌داری کلاسیک در برنامه سوم، تأثیرپذیری برنامه نویسان از آموزه‌های الگوی توسعه رقیب یعنی مدل ساختارگرا در فرآیند تخصیص منابع قابل تبیین است. در مجموع در برنامه سوم، هدف متعادل اجتماعی نظیر اشتغال و توزیع عادلانه درآمد در زمره اهداف اساسی در برنامه‌ریزی ایران لحاظ گردید. رشد سالانه بخشهای کشاورزی، صنایع و معادن، آب و برق و نفت از رشد پیش‌بینی شده بالاتر رفت (جدول شماره ۱).

برنامه چهارم عمرانی (۱۳۴۶-۵۱)

برنامه پنجساله چهارم در ۲۷ اردیبهشت ۱۳۴۶ (۱۹۶۷) به تصویب رسید و از اول فروردین ۱۳۴۷ (۲۱ مارچ ۱۹۶۸) مرحله اجرایی آن آغاز گردید. اعتبار عمرانی آن ۵۶۸ میلیارد ریال و هدف رشد آن ۹/۴ درصد بود. برای نیل به این نرخ رشد، سطح تشکیل سرمایه ناخالص ۸۱۰ میلیارد برآورد گردید که نزدیک به ۶۰ درصد آن را بخش دولتی می‌بایست فراهم می‌کرد (باری‌بر، ۱۳۶۳، ص ۱۲۳).

اهداف عمده برنامه چهارم بر تسریع رشد اقتصادی، افزایش درآمد ملی از طریق افزایش تدریجی، اهمیت نسبی صنایع، توزیع عادلانه درآمد، کاهش وابستگی به خارج در زمینه نیازهای اساسی، تنوع به صادرات، بهبود خدمات اداری تأکید داشته است (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۶۲).

استراتژی برنامه شامل جایگزینی واردات و رشد تولید ملی، ثبات قیمتها و سرمایه‌گذاری دولتی و خصوصی بود. نوع برنامه جامع و سازماندهی غیرمتمرکز داشت.

جدول شماره ۲- مقایسه عملکرد برنامه چهارم با اهداف مصوب

بخشها	رشد سالانه مصوب (درصد)	رشد سالانه واقعی (درصد)
تولید ناخالص ملی	۹/۴	۱۳/۱
سرمایه‌گذاری ثابت داخلی	۱۳/۶	۱۳/۴
صادرات کالا و خدمات	۱۵/۶	۱۵/۴
واردات کالا و خدمات	۱۳/۱	۱۵
مصرف خصوصی و عمومی	۷/۴	۱۱

مأخذ: سازمان برنامه و بودجه، تهران، ۱۳۷۶

این برنامه مطابق الگوی نظری توسعه ساختارگرا تهیه گردید. در برنامه چهارم کوشش زیادی برای افزایش صادرات نفت و گاز خام به منظور سرمایه‌گذاری تولیدی در کشور و مشارکت بیشتر در تاسیس پالایشگاههای نفت و از طرفی سرمایه‌گذاری خارجی به عمل آمد (سازمان برنامه، ۱۳۶۲). در این برنامه به برنامه‌ریزی منطقه‌ای هم توجه شد. قطبهای کشاورزی و توانهای مناطق شناسایی شدند. قطبهای صنعتی در شهرهای اصفهان، اهواز، اراک، تبریز، شیراز، قزوین، بندر امام، مشهد، باختران از اولویت برخوردار گردیدند. در این برنامه طرحهای جامع توسعه اقتصادی - اجتماعی مناطق هرمزگان، باختران، خراسان و طرحهای جامع ۳۴ شهر تهیه و تصویب گردید. این برنامه به مفاهیمی همچون توزیع عادلانه درآمد و اشتغال‌نگرش ابزاری دارد و آنها را در خدمت رشد اقتصادی می‌بیند. تولید ناخالص ملی در این برنامه به ۱۳/۱ درصد رسید (جدول شماره ۲).

برنامه پنجم عمرانی (۵۶-۱۳۵۱)

برنامه پنجم در ۵ اسفند ۱۳۵۱ (۱۹۷۲) به تصویب رسید و از اول فروردین ۱۳۵۳ (۱۹۷۳) به مرحله اجرا گذاشته شد. به دنبال افزایش قیمت نفت در تیرماه ۱۳۵۳ (۱۹۷۴) این برنامه مورد تجدید نظر قرار گرفت و اعتبار آن از ۱۵۶۰ میلیارد ریال به ۲۶۲۶ میلیارد ریال افزایش یافت. اهداف عمده این برنامه ارتقای کیفیت زندگی، حفظ رشد سریع و مداوم و موزون اقتصادی با حداقل افزایش قیمتها، توزیع عادلانه درآمد و گسترش عدالت اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و تامین اشتغال مولد در تمام مناطق کشور، بهبود محیط زیست، ایجاد مزیت نسبی در تولید، صدور کالاهای صنعتی به خارج و حفظ میراث فرهنگی را شامل می شد (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۵۱). استراتژی برنامه مبتنی بر رشد تولید ملی، جانشینی واردات و پی ریزی صنایع، کنترل جمعیت افزایش سرمایه گذاری در بخش خصوصی بود. نوع برنامه جامع و دارای سازماندهی غیرمتمرکز بود.

در برنامه پنجم عمرانی کشور، برنامه ریزی منطقه ای بیشتر مورد توجه قرار گرفت و به توسعه اقتصادی متعادل استانها، توزیع عادلانه خدمات، مشارکت مردمی و تقویت پایه اقتصادی مناطق تاکید گردید. در این برنامه برای هر استان، برنامه های عمرانی توسعه ۵ ساله تنظیم شد و دفاتر برنامه ریزی بودجه در راستای برقراری نظام برنامه ریزی غیرمتمرکز و منطقه ای ایجاد گردید. در این فرآیند، مقدمات تهیه طرح آمایش سرزمین در سال ۱۳۵۴ فراهم شد. طرح آمایش سرزمین، مهمترین اقدام در زمینه برنامه ریزی منطقه ای در قبل از انقلاب است که توسط مهندسین مشاور ستیران تدوین و به عنوان بهره برداری سرزمین در سه سطح ملی، منطقه ای و سطوح بینابین انجام شد. طرح ستیران ایران را به ۸ منطقه کلان تقسیم نمود. یکی دیگر از اسناد برنامه ریزی منطقه ای در کشور، مطالعات مهندسین مشاور بتل است که در سال ۱۳۵۲ انجام گرفت و طبق آن ایران به ۱۱ منطقه کلان تقسیم گردید. محور مطالعات این گروه مبتنی بر کاهش برخورد میان وزارتخانه ها و استانها که مانع عمده ای در برابر پیشرفت طرحهای استانها بودند دور می زد. در

این مطالعات به مناطق عقب‌مانده، ارتباط سرمایه‌گذاری با جمعیت و مساحت و امکانات مناطق توجه شده است (آسایش، ۱۳۷۵). در سال ۱۳۵۱، طرح دیگری به نام طرح‌های جامع پروتئین حیوانی، توسط مهندسین مشاور اف.ام. سی، با هدف تولید حداکثر پروتئین، توجه به عوامل زمین و آب و مرتع، علوفه و خوراک دام تهیه شد. این طرح ایران را به ۱۴ منطقه کلان تقسیم نمود. مهندسین مشاور بوکرز هانتینگ در سال ۱۳۵۵ براساس وضعیت طبیعی زمین و رعایت مرزهای استانی کشور را به ۱۰ منطقه کلان تقسیم نمود (زیاری، ۱۳۸۱).

جدول شماره ۳- مقایسه عملکرد برنامه پنجم با اهداف مصوب

بخشها	رشدسالانه مصوب (درصد) ۱	رشدسالانه واقعی (درصد) ۲
کشاورزی	۷	۵/۴
نفت	۵۱/۵	۱/۸
صنایع و معادن	۱۸	۱۸/۴
خدمات	۱۶/۴	۱۴/۶
تولید ناخالص ملی	۲۵/۸	۱۶/۳

مأخذ: ۱- سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۶۲

۲- سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۶

در برنامه پنجم توزیع عادلانه درآمد قبل از هدف رشد اقتصادی و مقدم بر آن مطرح گردید. علیرغم آنکه کل اعتبارات عمرانی نسبت به برنامه چهارم ۲/۸ برابر شد ولی سهم بخش اجتماعی پنج برابر رقم مشابه در آن برنامه گردید. در مجموع برنامه پنجم از الگوی نظری توسعه مسلط نیازهای اساسی تاثیر پذیرفته است. علیرغم آنکه این برنامه بلندپروازانه تهیه شد و می‌بایستی تولید ناخالص ملی با رشد ۲۵/۹ درصد افزایش یابد، ولی در انتهای برنامه به رشدی معادل ۱۶/۳ درصد رسید. گرچه این رقم در کل برنامه‌های ایران بالاتر است ولی علت این عدم حصول

در رشد را بایستی در کاهش عملکرد بخش نفت در سطح ۱/۸ درصد جستجو نمود (جدول شماره ۳).

برنامه اول جمهوری اسلامی (۷۲-۱۳۶۸)

ایران از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۸ که ۱۱ سال از پیروزی انقلاب می‌گذشت دارای برنامه توسعه نبود. سرانجام در ۱۳۶۸/۱۱/۱۱ اولین برنامه توسعه ایران با ۸۱۸۹ میلیارد ریال و با اهداف رشدی معادل ۸/۱ درصد در تولید ناخالص ملی، بازسازی مراکز تولیدی و جمعیت خسارت دیده از جنگ، ایجاد رشد اقتصادی با تاکید بر خودکفایی کشاورزی، مهارت‌ورم، تامین حداقل نیازهای مردم، عدالت اجتماعی، تعیین و اصلاح الگوی مصرف، اصلاح سازمان و مدیریت اجرایی و فضایی کشور، سازماندهی فضایی و توزیع جغرافیایی جمعیت، کنترل قیمت‌ها و پرداخت یارانه به تولیدکنندگان تهیه گردید. ولی از سال ۱۳۷۰ به بعد سیاست تعدیل اقتصادی جایگزین قانون برنامه اول شد. استراتژی برنامه، حمایت از صنایع داخلی و جایگزین واردات و کاهش وابستگی به نفت بود. نوع برنامه جامع و منطقه با استان معادل گرفته شد. اما برای استانها برنامه پنج ساله‌ای تدوین نشد.

در برنامه اول جمهوری اسلامی برنامه‌ریزی و توسعه منطقه‌ای نسبت به برنامه‌های قبل از انقلاب از جایگاه ممتازتری برخوردار گردید.

در این دوران، طرح جامع آب (جاماب) کشور را به ۸ منطقه کلان براساس حوزه آبریز رودخانه‌ها تقسیم نمود و به مطالعه و پیش‌بینی آب مورد نیاز شهرها در این مناطق تا سال ۱۳۸۱ پرداخت. همچنین طرح آمایش سرزمین جمهوری اسلامی در ۱۳۶۸، طرح‌های جامع منطقه‌ای، طرح‌های جامع ناحیه‌ای، طرح‌های جامع ساماندهی روستایی، طرح اسکان ۹۰ یا مکان‌یابی استقرار جمعیت تا سال ۱۳۹۰، طرح منطقه‌بندی فضایی (منطقه‌بندی ایالتی) با ۹ منطقه کلان، در این دوره تهیه گردید.

جدول شماره ۴- مقایسه عملکرد برنامه اول جمهوری اسلامی ایران با اهداف مصوب

بخشها	رشدسالانه مصوب(درصد) ۱	رشدسالانه واقعی (درصد) ۲
کشاورزی	۶/۱	۶
نفت	۹/۵	۸/۶
صنایع و معادن	۱۵	۸/۵
آب و برق و گاز	۹/۱	۱۲/۷
ساختمان	۱۴/۵	۵/۳
خدمات	۶/۷	۷/۳
تولید ناخالص ملی	۸/۱	۷/۲

مأخذ: ۱- سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۶۸

۲- سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۶

بخش کشاورزی تقریباً به اهداف خود در برنامه نایل گردید. این توفیق نسبی بخش کشاورزی به عنوان تامین‌کننده حدود ۲۲/۵ درصد اشتغال، ۲۲ درصد تولید ناخالص ملی و ۳۲ درصد صادرات غیرنفتی در سال ۱۳۷۱ دارای اهمیت است (امیر احمدی، ۱۳۷۴، ص ۱۰۰). بخش صنعت و معدن برنامه به اهدافش نرسیده و موفق نبوده است. در مجموع نرخ بالای تورم در برنامه اول به ویژه در سالهای پایانی آن و بیکاری و کاهش صادرات نفتی به نصف رقم پیش‌بینی شده نشان دهنده ضعف عملکرد مجریان برنامه است (میرمطهری، ۱۳۷۳، ص ۸۹). از لحاظ الگوی نظری این برنامه با رویکرد شبه‌مدرنیزاسیون و یا الگوی مبانی نظری تلفیقی رشد سرمایه‌داری و نیازهای اساسی تهیه شد.

برنامه دوم جمهوری اسلامی (۷۸-۱۳۷۴)

این برنامه در ۲۰ آذر ۱۳۷۲ (۱۹۹۳) به تصویب مجلس رسید. اهداف آن را تحقق عدالت اجتماعی، رشد فضائل اخلاقی و اسلامی و فرهنگ عمومی، افزایش بهره‌وری، تربیت نیروی انسانی مورد نیاز، رشد اقتصادی بامحوریت کشاورزی،

توسعه صادرات غیرنفتی، حفظ محیط زیست، تقویت بنیه دفاعی کشور، تلاش در جهت حاکمیت قانون و تقویت مشارکت عامه مردم، تقویت تحقیقات، ایجاد اشتغال می‌توان برشمرد. اعتبار این برنامه ۱۰۵۰۲۹/۱ میلیارد ریال و رشد کمی آن ۵/۱ درصد مدنظر بوده است. استراتژی برنامه مبتنی بر رشد و توسعه پایدار، کاهش وابستگی به درآمد نفت و جایگزینی واردات به صورت جامع با سازماندهی غیرمتمرکز بود. برنامه‌ریزی هر استان توسط کمیته برنامه‌ریزی متشکل از کارگزاران دولتی (مدیران کل) صورت می‌گرفت. در این برنامه امکان نظارت بر مناطق فراهم نشد و برنامه‌ریزی جامع برای هر بخش دولتی و خصوصی و کاهش وابستگی به نفت عملی نگردید. در این برنامه به توسعه منطقه‌ای در قالب طرح‌های جامع منطقه‌ای، ساماندهی روستایی، طرح‌های جامع شهری و هادی روستایی توجه اساسی مبذول شد و طرح جامع ۱۸ شهر جدید در اطراف شهرهای بزرگ به تصویب شورای عالی شهرسازی و معماری کشور رسید. الگوی نظری تدوین این برنامه را تلفیقی از ساختارگرایی و نیازهای اساسی می‌توان برشمرد.

ارزیابی عملکرد دو ساله برنامه دوم نشان می‌دهد به جز بخش ساختمان که از رشد سالانه ۸ درصد برخوردار بوده است؛ بقیه بخشها در این دو ساله به اهداف مصوب نایل نشده‌اند. تولید ناخالص ملی در این برنامه تقریباً برابر با اهداف مصوب و برابر ۵/۲ درصد افزایش یافته است (جدول شماره ۵).

جدول شماره ۵- مقایسه عملکرد در ساله * برنامه دوم جمهوری اسلامی ایران با اهداف مصوب

بخشها	رشدسالانه مصوب(درصد)۱	رشدسالانه واقعی (درصد)۲
کشاورزی	۴/۳	۳/۶
نفت	۱/۶	۱/۲
صنایع و معادن	۵/۹	۲/۴
آب و برق و گاز	۸	۵/۹
ساختمان	۴	۸
خدمات	۳/۱	۳/۱
تولید ناخالص ملی	۵/۱	۵/۲

* دو ساله ۱۳۷۴، ۱۳۷۵

مأخذ: ۱- سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۶۸

۲- سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۶

نتیجه:

در یک جمع‌بندی می‌توان گفت که حدود ۵۳ سال از شروع برنامه و برنامه‌ریزی در ایران می‌گذرد. در پنج برنامه قبل از انقلاب، رشد اقتصادی به عنوان هدف مسلط و استراتژی جایگزینی واردات به عنوان استراتژی صنعتی شدن مدنظر بوده است. در واقع شروع برنامه‌ریزی در ایران را، نوعی واکنش در برابر تحولات مدرنیزاسیون و الگوهای نظری - تجربی در جهان می‌توان دانست. دو برنامه هفت ساله اول و دوم قبل از انقلاب به صورت غیرجامع و مجموعه‌ای از پروژه‌های عمرانی و تخصیص منابع و بدون استراتژی مشخص تدوین گردید. نحوه تخصیص منابع برنامه اول بی‌شبهت به الگوی نظری رشد سرمایه‌داری نیست؛ ولی نمی‌توان الگوی نظری خاص توسعه را در آن یافت.

برنامه عمرانی دوم، بدون هدف کمی رشد، بالگویی نظری رشد سرمایه‌داری

تدوین شد که اولویت اساسی به زیرساخت‌ها و سپس کشاورزی و بعد صنعت داده شد. برنامه عمرانی سوم، با الگوی نظری ساختارگرا تهیه شد و در آن به چندین طرح منطقه‌ای و ایجاد نهادها و سازمانها توجه گردید. این برنامه موفق به نیل ۸/۵ درصد رشد در تولید ناخالص ملی گردید. عملکرد برنامه چهارم عمرانی نیل به رشد ۱۳/۱ درصد در تولید ناخالص ملی و در سطحی بالاتر از رشد مصوب بود که با الگوی نظری ساختارگرا و اصلاح ساختار اقتصادی کشور تهیه شد. از میان تمام برنامه‌های قبل و بعد از انقلاب (علیرغم کاهش عملکرد بخش نفت)، برنامه پنجم عمرانی به بالاترین عملکرد در تولید ناخالص ملی نایل آمد (۱۶/۳ درصد). این برنامه با الگوی نظری نیازهای اساسی تدوین شد. توجه به طرح‌های منطقه‌ای و آمایش سرزمین و منطقه‌بندی توسعه برای اولین بار از ثمرات آن است. در بعد از انقلاب علیرغم نبود یازده سال از وجود برنامه توسعه (به جهت مشکلات جنگ)، اولین برنامه توسعه، علیرغم مشکلات خاص خود، به رشدی معادل ۷/۲ درصد در تولیدی ناخالص ملی نایل آمد. برنامه دوم توسعه بعد از انقلاب موفق به نیل رشد مصوب برنامه (۵/۲ درصد) گردید و هر دو برنامه بعد از انقلاب با الگوی نظری شبه مدرنیزاسیون و تلفیقی از الگوی نظری ساختارگرا و نیازهای اساسی تدوین شد. توجه به طرح‌های منطقه‌ای، آمایش سرزمین و منطقه‌بندی توسعه از نتایج آنهاست. در تمام برنامه‌های قبل و بعد از انقلاب درآمد ناشی از فروش نفت به عنوان اصلی‌ترین منبع تامین منابع مالی برنامه‌هاست. با توجه به اینکه برنامه اول قبل از انقلاب و برنامه اول بعد از انقلاب از استقراض خارجی هم متأثر بوده است. در مجموع از لحاظ ساختار و وابستگی به نفت تفاوت معنی‌داری میان برنامه‌های قبل و بعد از انقلاب مشاهده نمی‌شود ولی میان اهداف مصوب و تحقق یافته تفاوتی وجود دارد.

منابع:

- ۱- آسایش، حسین. ۱۳۷۵، اصول و مبانی برنامه‌ریزی ناحیه‌ای، انتشارات پیام نو، ۱۳۷۵.

- ۲- امیراحمدی، هوشنگ، ارزیابی عملکرد برنامه اول و چالش‌های برنامه دوم، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۹۲-۹۱، ۱۳۷۴.
- ۳- بانک مرکزی ایران. ۱۳۷۶. گزارش اقتصادی و ترازنامه سالهای مختلف، تهران: ۲۰-۱۰.
- ۴- بالدودین، گ. ب، برنامه ریزی و توسعه در ایران، بی تا.
- ۵- بارج، و. ه ۱۹۶۶، عرضه کار و ایجاد شغل در مناطق شهری ایران.
- ۶- _____ . ۱۳۸۰. آمار و ترازنامه، تهران: ۱۲.
- ۷- باریز، جولیان. ۱۳۶۳. اقتصاد ایران. مؤسسه سازمان صنایع ملی و سازمان برنامه، تهران: ۴۱.
- ۸- تصدیقی، بهروز. ۱۳۶۴. برنامه‌ریزی استراتژیک برای تدوین نظام اداری کشور در برنامه مرحله اول توسعه، وزارت برنامه و بودجه، تهران: ۲۴۲.
- ۹- توسلی، غلامعباس. ۱۳۷۰. مکاتب جامعه‌شناسی، انتشارات سمت، تهران: ۱۴۲.
- ۱۰- حسین‌زاده بحرینی، محمد. ۱۳۷۷. پارادایم و دیدگاه نظری و برنامه‌ها و نوع نگرش آنها به توسعه، مباحث کلان توسعه و نظام برنامه‌ریزی، تهران: ۹۸-۹۵.
- ۱۱- رستگارپناه، مرتضی. ۱۳۵۵. سهم نفت در برنامه‌های عمرانی کشور، انتشارات توس، تهران: ۲۵-۲۰.
- ۱۲- رزاقی، ابراهیم، ۱۳۶۳، اقتصاد ایران، نشر نی، تهران.
- ۱۳- روزبهان، محمد. ۱۳۷۱. مبانی توسعه اقتصادی، دانشگاه شهیدبهشتی، تهران: ۱۰۳.
- ۱۴- زیاری، کرامت‌اله، ۱۳۸۱، اصول و روشهای برنامه‌ریزی منطقه‌ای، انتشارات دانشگاه یزد، یزد، چاپ دوم.
- ۱۵- سازمان برنامه و بودجه. ۱۳۲۷. گزارش برنامه هفت ساله عمرانی اول کشور، تهران: ۲۵-۱۰.
- ۱۶- _____ . ۱۳۳۹، بخش عملکرد دومین برنامه هفت گانه عمرانی، ۶.
- ۱۷- _____ . ۱۳۴۱. برنامه پنجساله عمرانی سوم کشور، تهران: ۵-۲.
- ۱۸- _____ . ۱۳۴۱. گزارش برنامه هفت ساله عمرانی دوم کشور، تهران: ۷-۲.
- ۱۹- _____ . ۱۳۴۱. برنامه عمرانی کشور، ۵۱-۱۳۴۷، ص ۳۱-۲۶.
- ۲۰- _____ . ۱۳۵۱. برنامه پنجساله عمرانی پنجم کشور، تهران: ۱۴-۸.
- ۲۱- _____ . ۱۳۶۲. گزارش عملکرد برنامه عمرانی سوم کشور، تهران: ۲۵-۱۵.
- ۲۲- _____ . ۱۳۶۸. برنامه اول توسعه اقتصادی اجتماعی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، تهران: ۶۱.

- ۲۳- _____ . ۱۳۷۶. گزارش عملکرد برنامه عمرانی کشور، تهران: ۶-۷.
- ۲۴- _____ . ۱۳۷۵. برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، تهران: ۱۵-۲۰.
- ۲۵- _____ . ۱۳۷۶. گزارش عملکرد دو ساله برنامه دوم جمهوری اسلامی ایران، تهران: ۶-۷.
- ۲۶- _____ . ۱۳۸۰. مرکز مدارک اقتصادی، تهران.
- ۲۷- عظیمی، حسین. ۱۳۷۸. اندیشه توسعه و برنامه‌ریزی در ایران، مباحث کلان و توسعه و نظام برنامه‌ریزی، تهران: ۱۱.
- ۲۸- میرمطهری، احمد، برنامه اول: انتظارات واقعیت‌ها، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۸۴-۸۳، ۱۳۷۳.
- ۲۹- مهندسین مشاور ستیران. ۱۳۵۵. طرح آمایش سرزمین، سازمان برنامه و بودجه، تهران: ۶۰-۷۵.
- ۳۰- مؤتمن، ه. ۱۹۵۶. برنامه‌ریزی در ایران، نشر اقتصادی خاورمیانه.
- ۳۱- وزارت جهادسازندگی. ۱۳۷۷. گزارش وضع موجود بخش کشاورزی، مستندات برنامه سوم، جلد ۸، شماره ۵۴۲، تهران.
- ۳۲- Campbell, S., and Susan Fainstein. 1997. Reading in Planning Theory, London, Blackwell: 151-152.
- ۳۳- Daftary, Farhad. 1973. Development Planning in Iran; A Historical Survey Iranian Studies, vol vi: 176-228.
- ۳۴- Kuznets, S. 1966. Modern Economic Growth, New Haven, Yale University Press: 51.
- ۳۵- Lewis, A.W. 1966. The Theory of Economic Growth, London, Allens: 80.
- ۳۶- Todaro, Michael. 1981. Economic Development in the Third World, Routledge, London. 101-110.
- ۳۷- Atash, F. 2000. New Towns and Future Urbanization in Iran, TWPR, 22(1), PP, 67-88.